

پاسخنامه مدارس شهرستان

نام کتاب: شرح لمعه، از الفصل السادس فی کفارات الإمراه تا کتاب المتاجر

لطفاً به همه سؤالات تستی و ۸ سؤال تشریحی پاسخ دهید، در صورت پاسخ به همه به سؤال آخر نمره داده نمی‌شود (تستی ۱ و تشریحی ۲ نمره)

سؤالات تستی:

۱. کفارة صید حَمَام برای محرم در حرم چقدر است؟ ج ۵۶۱
- أ. شاة □ ب. حَمَلٌ و نصف درهم □ ج. شاة و درهم ■ د. درهمان □
۲. به نظر مصنف «حدّ السرقة» با کدام یک از راه‌های زیر اثبات می‌شود؟
- أ. شاهد و یمین □ ب. فقط با شهادت دو مرد ■ ج. با شهادت یک مرد و دو زن یا شاهد و یمین □ د. با شهادت دو مرد یا شاهد و یمین □
۳. لو مسّ الرجل زوجته فی حال الاحرام فكفّارته ... أ ۵۷۲/۱
- أ. شاة إن كان بشهوة و إن لم یمن و بغير شهوة لا شیء و إن أمني ما لم یقصد الإیمان أو لم یعتاده ■
- ب. شاة إذا أمني سواء كان بشهوة أم بغير شهوة و سواء قصد الإیمان أم لا □
- ج. جزور أم شاة إذا كان بشهوة و إن لم یمن و بغير شهوة فدرهم □
- د. بدنة إذا كان بشهوة و قصد الإیمان □
۴. إن أطلق الواقف و لم یجعل النظر على الموقوف لنفسه أو لغيره ... د ۱۴۴/۲
- أ. بطل الوقف □ ب. النظر إلى نفس الواقف فی الوقف العام و إلى الموقوف عليهم فی الوقف على المعین □
- ج. النظر إلى الحاكم الشرعی مطلقاً □ د. النظر فی الوقف العام إلى الحاكم الشرعی و فی غیره إلى الموقوف عليهم ■

سؤالات تشریحی:

۱. «حصر» و «صد» را تعریف کرده و نحوه تحلل محصر را بنویسید. ۵۷۹
- الحصر: منع الناسک بالمرض عن نسك یفوت الحج او العمرة بفواته. الصد: بالعدو و ما فی معناه مع قدرة الناسک بحسب ذاته على الاكمال.
- اگر قربانی به همراه خود دارد همان را به قربانگاه می‌فرستد و اگر قربانی به همراه ندارد قربانی می‌خرد و می‌فرستد یا اینکه پولش را می‌فرستد تا در آنجا خریده شده، ذبح شود.

- * و لا یجوز الفرار من الحرب إذا كان العدو ضعفاً أو أقلّ إلّا لمتحرّف لقتال أو متحصّز الی فته. ۱۷/۲
۲. فرع مذکور در عبارت را به طور کامل توضیح دهید.

فرار از جنگ در صورتی که دشمن دو برابر یا کمتر از دو برابر سپاه اسلام باشد حرام است مگر اینکه این فرار تاکتیکی باشد مثل اینکه بخواهند در جایی سنگر بگیرند که تسلطشان بر دشمن در آنجا بیشتر است یا بخواهند به گروه دیگری از سپاه اسلام ملحق شوند برای اینکه بهتر بجنگند.

۳. وجوب «امر به معروف و نهی از منکر» را با دلیل عقلی ثابت کنید. ۳۳/۲

عقل می‌گوید امر به معروف و نهی از منکر لطف است و لطف، طبق قاعده عدل واجب است و لطف یعنی چیزی که عبد را به اطاعت نزدیک می‌کند و از معصیت دور می‌کند و خداوند که غرضش تعلق گرفته به اینکه معروف اتیان شود و منکر ترک شود و می‌داند که اگر امر و نهی نکند از عبد مراد خدا حاصل نمی‌شود پس باید انذار و تخویف کند به مخالفت و بنا بر قاعده لطف امر به معروف و نهی از منکر بر ما هم واجب می‌شود؛ زیرا امر و نهی ما هم فردی از افراد لطف است.

* و فی جز المرأة شعرها فی المصاب كفارة ظهار. و قيل: كبيرة مخيرة. و الأقوى عدم الكفارة مطلقاً؛ لأصالة البراءة. نعم، يستحب لصلاحيه الرواية لأدلة السنن، و لا فرق فی المصاب بين القريب و غيره؛ للإطلاق. ٤٦٢

٤. أ. «كفارة ظهار» چیست؟ منظور از «كبيره مخيره» چیست؟ ب. عبارت «لصلاحيه الرواية لأدلة السنن» و «للإطلاق» را توضیح دهید.

١. العتق اولاً فالشهران مع تعدد العتق فاطعام الستين لو تعدد الصيام ٢. یعنی همان سه كفاره که ذکر شد منتهی رعایت ترتیب مذکور لازم نیست ٣. در اثبات مستحبات نسبت به دليل تسامح می کنند به جهت روایاتی که در این جهت وارد شده و در ما نحن فيه نیز اگر چه روایت ضعیف است منتهی به خاطر تسامح قابلیت اثبات مستحب را دارد ٤. در حکمی که برای «جز المرأة شعرها» بیان شد فرقی نیست بین این که «جز» به خاطر قریب بوده باشد یا بعید و جهتش این است که روایت، مطلق است و مقید به قریب نشده است.

* و لم يذكر [المصنف هنا أى فى اللمة] توقف نذر الولد على اذن والده لعدم النصّ الدالّ عليه هنا، و إنّما ورد فى اليمين فيبقى على أصالة الصحة، و فى الدروس ألحقه بهما [بندر الزوجة و العبد فى توقّفهما على اذن الزوج و السيد] لإطلاق اليمين فى بعض الأخبار على النذر. ٦٠/٢

٥. با توجه به عبارت، دليل توقف و عدم توقف نذر فرزند بر اذن پدر را توضیح دهید.

دليل عدم توقف: نذر ولد بدون اذن والد صحيح است، بدليل أصالة الصحة (عمومات) زیرا در باب نذر دلیلی نداریم که نذر ولد را موقوف بر اذن والد کند تا مخصص عمومات شود، بله در باب یمین داریم. دليل توقف: نذر ولد بدون اذن والد باطل است، به همان دلیلی که به لفظ یمین آمده بود، زیرا یمین بر نذر نیز اطلاق می شود.

* حيث ادعى المدعى دعوى ملزمة معلومة جازمة قبلت اتفاقاً و إن تخلف الإوّل ... و إن تخلف الثانى ... ٨٣/٢

٦. مراد از «تخلف الاول» و «تخلف الثانى» را نوشته، برای هر کدام مثالی بزنید و حکمش را بنویسید.

تخلف الاول: أى ادعى دعوى غير ملزمة كدعوى هبة غير مقبوضة أو وقف كذلك فى هذه الحالة لم تسمع الدعوى. تخلف الثانى: أى ادعى دعوى غير معلومة كدعوى شيء و ثوب و فرس فى سماعها قولان: أحدهما (مصنف) العدم و الثانى (شهيد ثانى) السماع.

* يحرم على الحاكم أن يتعنعع الشاهد أو يرغبه فى الإقامة اذا وجده متردداً أو يزّده لو توقف و لا يقف عزم الغريم عن الاقرار إلّا فى حقه تعالى. ٩٢/٢

٧. عبارت را توضیح دهید و علت استثناء «حق الله» را در مورد آخر بنویسید.

بر حاکم حرام است که در شهادت دادن شاهد دخالت کند و او را به تردید یا غلط بیندازد یا او را در صورتی که مردّد است، تشویق به شهادت دادن نماید یا او را از شهادت دادن دور نماید در صورتی که خود شاهد توقف از شهادت نموده است و نیز حاکم نباید جلوی اقرار مقر را بگیرد مگر در حق الله که مستحب است حاکم، مقر به حق الله را که منجر به حدی می شود باز داشته و سخن او را به تأویل ببرد به دليل قضية ما عز بن مالك عند النبى (صلى الله عليه وسلم).

* لو تشبّث المتداعيان (و كانا ذا يد على العين) و ادعى أحدهما الجميع و الآخر النصف مشاعاً ... ١٠٣/٢

٨. حکم مورد فوق را در صورت وجود و عدم وجود بینه از هر دو طرف بنویسید.

عدم بینه: اقتسامها نصفين بعد یمین مدعى النصف للآخر من دون العكس. وجود بینه از هر دو طرف: فهى للخارج على القول بترجيح بینه و هو مدعى الكلّ و على القول الآخر يقسم بينهما نصفين.

* الثالث: السكنى و توابعها، و لا بدّ فيها من ايجاب و قبول و قبض على تقدير لزومها، أمّا لو كانت جائزة كالمطلقة كان الإقباض شرطاً فى جواز التسلّط على الانتفاع، و لمّا كانت الفائدة بدونها منتفياً أطلق اشتراطه فيها. ١٦٣/٢

٩. أ. منظور از «توابع السكنى» چیست و در چه صورتی «سكنى» لازم می باشد؟ ب. عبارت «و لمّا كانت الفائدة ...» را توضیح دهید.

أ. توابع سكنى عبارت است از عمرى و رقبى و در صورتی که سكنى موقت بشود به مدت معلوم و یا به عمر یکی از دو شخص که یکی مسکن و دیگری ساکن نام دارد لازم می شود. ب. قبض در سكنى شرط است اگر سكنى لازمه باشد اما اگر لازمه نباشد مثل سكنای مطلقه در این صورت قبض شرط نیست بلی اقباض شرط جواز تسلّط قابض است بر مقبوض و چون فایده بدون قبض منتفی است چه در سكنای لازمه و چه غیر لازمه از این جهت اشتراط قبض را مطلق آورده است.